

منطق قرآنی برای ایستادگی

علیرضا وکیلی؛ در منظومه فکری ما، قدرت نظامی و توان دفاعی نه ابزاری برای سلطه‌گری که وسیله‌ای برای تحقق عدالت و حفاظت از کیان جامعه است. منطق قرآنی به ما می‌آموزد که ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی، یک حق طبیعی و الهی است. زمانی که مرزها یا منافع یک ملت، هدف تعدی قرار می‌گیرد و مظلومیتی رقم می‌خورد، سکوت معنایی جز پذیرش ذلت ندارد. از این رو تکیه بر توان موشکی و دفاعی نیروهای مسلح، ریشه در یک باور عمیق دارد؛ اینکه برای حفظ صلح و کرامت، باید در برابر هرگونه تجاوز، پاسخی قاطع و پشیمان‌کننده آماده داشت.

قرآن کریم در سوره مبارک حج، منشور مشروعیت ایستادگی و دفاع را چنین بیان می‌فرماید: «اذَنْ لِّذَیْنِ یَقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ وَآلِهِمْ وَآلِ اللَّهِ عَلَی نَضْرِهِمْ لِقَدْرِیْ» به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده. اجازه جهاد داده شده است؛ چراکه مورد ستم قرار گرفته‌اند و خدا بر یاری آن‌ها تواناست.»

این آیه، نشان‌دهیایی مشروعیت برای دفاع از حق است. خداوند در این فراز، اذن ایستادگی را مستقیماً به مظلوم واقع شدن گره می‌زند. درواقع، پاسخ مقتدرانه به متجاوز، یک واکنش عقلانی و وحیانی است تا توازن قدرت به نفع حق، حفظ شود. عبارت «و اِنَّ اللَّهَ عَلَی نَضْرِهِمْ لَقَدِیْرٌ» به ما اطمینان می‌دهد که وقتی ملتی برپایه مظلومیت مقتدرانه خود به پا می‌خیزد، قدرت بی‌پایان الهی پشتیبان اوست. این نگاه، ترس را از دل‌ها می‌زداید و باور به نصرت را جایگزین محاسبات صرفاً مادی می‌کند.

دفاع در برابر متجاوز، مانند سدی است که در برابر هجوم سیلاب ساخته می‌شود؛ اگر این سد نباشد، تمام دستاوردهای یک ملت، نابود خواهد شد. ما هیچ‌گاه خواهان درگیری نبوده‌ایم، اما به حکم صریح وحی، اجازه نمی‌دهیم امنیت و منافع ملی، بازیچه دست قدرت‌های تمامیت‌خواه شود. پاسخ‌های قاطع نیروهای مسلح، درواقع ترجمه عملی این آیه است که ثابت می‌کند دوران بی‌پاسخ ماندن تجاوزها به پایان رسیده است.

بیابیم، یاد رک این مبنای دینی: از اقتدار دفاعی کشور به عنوان ضامن امنیت و صلح پایدار حمایت کنیم. این اذن الهی، مدالی است بر سینه کسانی که در برابر ظلم سر خم نمی‌کنند و با تکیه بر قدرت خداوند، پاسخ متجاوز را در کوتاه‌ترین زمان و با بیشترین قاطعیت می‌دهند. نصرت الهی، یاداش ملتی است که راه عزت را برگزیده است و به توانمندی شکست‌ناپذیر خود ایمان دارد.

پایان هر ماجراجویی دشمن، با اراده پولادین این ملت، رقم خواهد خورد.

سیره بزرگان

در جست‌وجوی حقیقت حضور



محمودجواد علیپورا آیت‌الله شهید مرتضی مطهری را عموماً به عنوان یکی از فیلسوفان، متکلمان و متفکران انقلاب اسلامی می‌شناسیم، اما در پس این چهره پرکار علمی و اجتماعی، بعدی عمیق‌تر و کمتر دیده‌شده وجود دارد: سلوک عبادی و معنوی. عبادت برای شهید مطهری، نه یک مناسک حاشیه‌ای در زندگی که هسته مرکزی و موتور محرکه تمام اندیشه‌ها و فعالیت‌هایش بود. برای درک این بعد، می‌توان سلوک او را در چند ساحت بررسی کرد.

عبادت: فراتر از تکلیف، تجلی عشق و معرفت

در نگاه شهید مطهری، عبادت صرفاً ادای تکلیف و انجام مجموعه‌ای از ادکار و حرکات نیست، بلکه «رقص عاشقانه روح» در محضر معشوق ازلّی است. او با تکیه بر آموزه‌های قرآن و نهج‌البلاغه، عبادت را یک رابطه زنده، آگاهانه و عاشقانه تعریف می‌کرد. کتاب «آزادی معنوی»، متأثر از این نگاه است که عبادت، زیستن در حضور خداوند است؛ پوسته‌ای که مغز آن چیزی جز «یاد خدا» نیست. از این رو نماز برای استاد، ملاقاتی خصوصی و سرشار از وجد بود. نقل است که در نمازهای جماعت، وقتی به سجده می‌رفت، چنان غرق در مناجات می‌شد که گویی از جهان مادی، انقطاع کامل یافته است. این عشق آمیخته با معرفت، عبادت را از سطح یک عادت روزمره به اوج یک تجربه وجودی بدل می‌کرد.

تبلیور عرفان در زندگی روزمره و اخلاق اجتماعی

سلوک معنوی شهید مطهری در خلوت شب و سجاده نماز، محصور نمی‌ماند، بلکه در تمام شئون زندگی وی جاری بود. این شهید، تجسم عینی این آموزه قرآنی بود که «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَ اتَّقُوا الْفِتْنَةَ» (حج، ۷۷) که عبادت را بی‌درنگ به عرصه فعل خیر و مسئولیت اجتماعی پیوند می‌زند. مبارزات سیاسی، تدریس پرشور، مناظرات علمی و حتی برخوردهای روزمره استاد، همگی بوی عبادت می‌داد. شاگردانش از صبوری، تواضع و شرح صدر عجیب او در مواجهه با مخالفان سخن می‌گویند. خصلت‌هایی که به گفته خود استاد، جز در مکتب عبادت حقیقی و ریاضت‌های شرعی، آموختنی نیست. او خشمگین نمی‌شد، مگر برای خدا و سکوت می‌کرد برای تفکر. این اخلاق متعالی، ثمره همان سلوکی بود که در خلوت‌های شبانه، پرورش می‌یافت و در صحنه اجتماع به بار می‌نشت.

ریاضت عالمانه: تزکیه از مسیر دانش

سلوک معنوی شهید مطهری، یک ویژگی متمایز داشت؛ عجین شدن با عقلانیت. استاد به شدت با کج‌روی‌ها، خرافات و برداشتهای متغله‌ن از زهد و عرفان مبارزه می‌کرد. ریاضتش، نه ترک دنیا و گوشه‌گیری، بلکه «حضور فعال در متن جامعه بدون دل بستن به تعلقات آن» بود. او با نقد تصوف منحرف و رهبانیت مسیحی، الگویی از عرفان شیعی را ارائه داد که در آن، قوت استدلال فلسفی با ظرافت احساس عارفانه، پیوند می‌خورد. کتاب‌های انسان کامل و «سیری در نهج‌البلاغه»، نشان می‌دهد که سلوک استاد، سلوکی کاملاً آگاهانه و مبتنی بر جهان بینی توحیدی بود. او به شاگردانش می‌موخت که طهارت روح، نیازمند طهارت فکر است و سیر الهی، با پالایش عقل از مغالطات و نفس از رذایل، به موازات هم پیش می‌رود.

ذکر دائم: زیستن در مدار حقیقت

دوستان و نزدیکان شهید مطهری، گواهی می‌دهند که ذکر و یاد خدا، هم‌نفس دائمی وی بود. این ذکر، صرفاً زمزمه کلمات نبود، بلکه نوعی حضور مستمر قلب در محضر حق بود که فعالیت‌های فکری‌اش را جهت و برکت می‌داد. گفته‌اند که هنگام مطالعه یا نوشتن نیز، گویی روحش در حال مناجات بود. همین سلوک دائم بود که به تحلیل‌های اجتماعی و سیاسی او عمق بخشید و وی را به «مطهری» تبدیل کرد که می‌توانست با یک سخنرانی، آتش در جان‌ها بیفکند. او مصداق بارز این سخن امام علی^ع بود که «الْعِلْمُ مَقْرُونٌ بِالْعَقْلِ». سلوک عبادی‌اش، پاسخی عملی به بحران معنویت در عصر مدرن بود و نشان داد که می‌توان در اوج معرکه حوادث سیاسی و چالش‌های فکری بود، اما دل در گرو یاد داشت و با گام‌هایی استوار، طریق قرب الهی را پیمود.



بژواک «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» از درون خانه تا افق‌های تمدن

ما نسل مبعوث این عصریم

گزارش

سمانه رضوانی | خدا از دل همین فشارها، برای مؤمنان گشایش‌های تمدنی خواهد آفرید. این وعده الهی، امروز بیش از هر زمان دیگر، امیدبخش امتی است که در میانه یک جنگ تمدنی تمام‌عیار نفس می‌کشد. تحریم، تهاجم فرهنگی، فشارهای سیاسی و جنگ شناختی، همه و همه ابزارهایی است که دشمن برای عقب‌نگه‌داشتن تمدن توحیدی به‌کار گرفته است. اما تاریخ انبیا و اولیای الهی، حرف دیگری دارد که گشایش‌های بزرگ، دقیقاً از دل همین تنگناها زاده می‌شوند. شرط این گشایش: تاب‌آوری فعال و جهاد چندلایه. از جهاد نفس و تربیت درونی گرفته تا جهاد علمی، تبیینی، اجتماعی و دفاعی است. در ادامه، در پنج گام، نقشه راه امتی را مرور می‌کنیم که قرار است با تکیه بر حرکت تمدنی امام‌رضا^ع و الگویی از اهل بیت^ع، از دل فشارها، قله‌های تمدن نوین اسلامی را فتح کند.

جهاد نفس؛ ریشه تمدن

مأموریت ما، بازخوانی جامع مفهوم جهاد است؛ جهادی که از درون انسان شروع می‌شود و تا افق تمدن توحیدی ادامه می‌یابد. لایه‌لایه‌الله روح جهاد را در همه عرصه‌های زندگی می‌دمد، اما نقطه آغاز، همیشه جهاد نفس است. جهاد با غفلت، با گناه، با دنیاپرستی و... این‌ها نه فقط توصیه‌های اخلاقی که زیرساخت‌های هر حرکت تمدنی هستند. انسان موحّد، انسانی است متواضع، شجاع، عفیف، اهل دعا و درعین حال اهل اقدام. بدون ساختن چنین انسانی، هیچ تمدنی شکل نمی‌گیرد. بدون جهاد نفس، جهاد سیاسی و علمی و اجتماعی، هرگز ریشه‌دار نخواهد بود. آن‌که نفس خود را پاک نکرده است، چگونه می‌خواهد برای تمدن توحیدی، حرکتی انجام دهد؟ پیامبران آمدند تا انسان‌ها را از بت‌های درونی و بیرونی آزاد کنند. اولین بت، نفس اماره است. پس اولین جهاد، جهاد با خود است. اگر این گام محکم برداشته نشود، هر حرکت بعدی، سطحی و زودگذر خواهد بود.

روشنگری؛ فریضه‌ای عینی

دشمن امروز لایه‌های عمیقی از جنگ شناختی را علیه ایمان، زن مسلمان، خانواده، ولایت و مقاومت، طراحی کرده است. رسانه‌های معاند، شبکه‌های اجتماعی و حتی برخی فضا‌های روشنفکری وابسته، شبانه‌روز در حال تخریب باورهای دینی و القای یأس و ناامیدی هستند. در چنین شرایطی، روشنگری درباره حقیقت اسلام، اهل بیت^ع، انقلاب اسلامی و تمدن نوین اسلامی، یک فریضه ترک‌نشدنی است. جهاد تبیین که توصیه رهبر شهیدمان است، یعنی شکافتن لایه‌های این جنگ شناختی و نشان دادن تصویری واقعی از دین و تمدن توحیدی. درکنار آن، جهاد اجتماعی و اخلاقی یعنی دعوت به اصلاح روابط خانوادگی، صلح و گذشت در اختلافات، دوری از اسراف و تجمل، تقویت روحیه تعاون و... باید نشان دهیم که تمدن توحیدی بدون عدالت و اخلاق اجتماعی شکل نمی‌گیرد. روشنگری فقط گفتن نیست؛ زیستن و الگو شدن هم هست.

خودکفایی؛ ضرورت ایمانی

در دوران جنگ تمدنی، امت اسلامی به تاب‌آوری بلندمدت نیاز دارد نه صبر منفعل و درمانده، بلکه صبری فعال و سازنده، بنابراین بیابیم مفهوم صبر را از یک حالت انفعالی به یک راهبرد پیشرفت تبدیل کنیم. تاب‌آوری امت بر سه پایه استوار است: اول؛ ایمان و معنویت ریشه‌دار با نماز، توکل، توسل و... دوم؛ دانش و فناوری در خدمت توحید از پزشکی و دفاعی تا فناوری‌های نوین؛ سوم؛ هم‌بستگی اجتماعی و وحدت امت اسلامی. از میان این سه، محور اصلی جهش تمدنی در عصر حاضر، جهاد علمی و جهاد پیشرفت است. تشویق جوانان به علم‌آموزی عمیق، نوآوری و تولید فناوری‌های راهبردی، یک اولویت چشم‌پوشی‌ناپذیر است. باید تبیین کنیم که تحریم و فشار اگرچه سخت است، دقیقاً همان فرصتی است که خودکفایی علمی و فناوری را آفریده است. وابستگی علمی، فناوری و اقتصادی به تمدن مادی غرب، ما را از حصن لایه‌لایه‌الله بیرون می‌کشد و به اسارت تمدنی می‌کشاند. استقلال علمی و صنعتی، یک واجب تمدنی و جلوه‌ای آشکار از ورود در این حصن الهی است. فشارهای دشمن، در صورت ایستادگی و تدبیر، فرصتی برای جهش تمدنی است.

حرکت تمدنی امام‌رضا^ع

تمدن توحیدی، بی‌الگو نیست. ما الگوهای عینی و زنده‌ای داریم که می‌توانند مسیر را برایمان روشن کنند. حرکت تمدنی امام‌رضا^ع برای ایران امروز، درس‌های ویژه‌ای دارد. امام‌رضا^ع الگوی گفت‌وگوی عالمانه، تمدن‌سازی معرفتی و گسترش مرزهای فکری اسلام در دل مرکز قدرت است. او نشان داد که چگونه می‌توان بدون سازش با طاغوت، از فرصت‌های موجود برای پیشبرد معارف اهل بیت^ع استفاده کرد. پیوند میان حرم، زیارت، معرفت و مسئولیت اجتماعی، از برکات وجودی این امام همام است. ایران امروز به عنوان کشور امام‌رضا^ع، مسئولیتی ویژه برای حمل پرچم تمدن نوین اسلامی دارد. ما بر آنیم تا با تکیه بر این الگوها، به مردم نشان دهیم که تمدن نوین اسلامی، رؤیایی مبهم نیست، بلکه ادامه طبیعی تاریخ اهل بیت^ع و ثمره عملی ایمان به لایه‌لایه‌الله در این سرزمین است.

مردم؛ صحن حرم رضوی

تمدن توحیدی بدون حضور فعال مردم شکل نمی‌گیرد. مأموریت ما این است که زیارت امام‌رضا^ع را از یک تجربه فردی و احساسی، به یک پیمان جمعی برای ساختن جامعه‌ای بهتر تبدیل کنیم. ما مردم خود را مصرف‌کننده صرف دین نبینیم، بلکه یاران و سازندگان جبهه توحید و تمدن اسلامی بدانیم. یکی از اصول محوری، تربیت دینی نسل جدید است. درکنار سخن گفتن با بزرگسالان، گفت‌وگوی ویژه، صمیمانه و متناسب با نوجوانان و جوانان داشته باشیم. ایمان آنان را نه فقط با هشدار بلکه با محبت، عقلانیت، کرامت و نشان دادن نقش تمدنی‌شان، تقویت کنیم. به آنان نشان دهیم که دین، دشمن شادی و پیشرفت نیست. حجاب، عفت، نماز و ولایت، مانع شکوفایی نیست، بلکه تضمین‌کننده کرامت، آزادی حقیقی و رشد است. به آنان بفهمانیم که شما نسل مبعوث این عصر هستید. خدا، شما را در این زمانه و در این جغرافیا قرار داده است تا بار این حرکت تمدنی را به دوش بکشید. پیوند میان حرم و حاشیه، مرکز و شهرستان، شهر و روستا را به عنوان یک شبکه تمدنی، زنده نگه داریم. این حقیقت باید به همه یادآوری شود که وقتی همه ایران حرم امام‌رضاست، هر خانه، هر مسجد، هر مدرسه و هر سنگر علمی و جهادی، می‌تواند صحن او باشد و هر خادم مردم، در هر نقطه این سرزمین، خادم حرم رضوی است.

وقتی هجرت یک امام، سرنوشت یک کشور را تغییر می‌دهد

طول تاریخ، بسیاری از قیام‌ها و جنبش‌های شیعی (مانند سریداران) با الهام از بازگاه رضوی، شکل گرفتند. وجود حرم‌ثامن‌الانمه^ع، همواره یادآور خط امامت و ولایت و لزوم تبعیت از رهبری دینی در برابر حاکمان خودکامه بوده است. در میان اهل سنت نیز، با وجود گرایش امرای سامانی، غزنوی و سلجوقی به مذهب تسنن، همواره علویان مورد احترام آنان بودند و به همین دلیل، به عمارت مرقد امام‌رضا^ع توجه داشتند. برخی امرای سامانی، عنایتی خاص به مرقد امام‌رضا^ع داشته‌اند. همچنین شاه عباس صفوی پس از تسلط بر خراسان، به مشهد حرمت زیادی می‌نهاد و خود بر اساس نذری که داشت، به سال ۱۰۱۰ هجری از اصفهان، پیاده به مشهد سفر کرد. (مقالات تاریخی، رسول جعفریان، دفتر نهم، ص ۳۲۸). از طرف دیگر، حرم مطهر رضوی همواره محلی برای ارتباط با مسلمانان و حتی غیرمسلمانان از سراسر جهان بوده است. این ظرفیت سیاسی فرهنگی، نشان‌دهنده قدرت نرم جمهوری اسلامی در جهان اسلام است.

به درجه‌اجابت می‌رسید.» (حیات فکری و سیاسی امامان شیعه^ع، ج ۲، ص ۱۰۵) اکنون نیز حرم مطهر امام هشتم^ع، محلی برای دیدار مسلمانان با مذاهب و ملیت‌های مختلف است که این امر به تقویت وحدت اسلامی و تبادل فرهنگ‌های متنوع کمک می‌کند. نکته مهم دیگر، کاهش آسیب‌های اجتماعی از طریق زیارت است. فرهنگ زیارت که حول محور حرم امام‌رضا^ع شکل گرفته است، با تأکید بر اخلاق، صبر، احترام به دیگران و دوری از گناه، به‌طور طبیعی زمینه‌ای برای کاهش بسیاری از آسیب‌های اجتماعی در شهر مشهد و در میان زائران ایجاد می‌کند. بسیاری از افراد با سفر به مشهد، فرصتی برای بازسازی روحی و اخلاقی خود پیدا می‌کنند.

۴. برکات سیاسی و حکومتی

حرم مطهر رضوی، به نمادی از ایستادگی و مقاومت در برابر قدرت‌های ظالم، تبدیل شده است. با شهادت امام‌رضا^ع، مشهد به مرکز نقل سیاسی شیعیان تبدیل شد. در

صنعتی در آن به یادگار گذاشته شده است. به برکت همین حرم مطهر، آستان قدس رضوی دارای بزرگ‌ترین مجموعه موقوفات در ایران است. کتابخانه آستان قدس رضوی نیز، یکی از کهن‌ترین و غنی‌ترین کتابخانه‌های ایران است که قدمت آن به قرن چهارم و پنجم هجری می‌رسد. (مقالات تاریخی، رسول جعفریان، دفتر نهم، ص ۳۲۴)

۳. برکات معنوی و دینی

از نظر تاریخی، تردیدی نیست که وجود قبر امام‌رضا^ع در ایران، موجب گسترش تشیع بوده است. «حیات فکری و سیاسی امامان شیعه^ع، ج ۲، ص ۴۵۹) از طرف دیگر، وجود حرم مطهر امام‌رضا^ع، تأثیرات فرامذهبی بزرگی نیز در پی داشت و باعث وحدت اجتماعی بین مذاهب مختلف بوده است. ابن حبان، از محدثان و رجال‌شناسان قرن چهارم هجری اهل سنت، می‌نویسد: «من باها قبر علی بن موسی الرضا^ع را زیارت کرده‌ام. وقتی در طوس بودم، هیچ مشکلی بر من وارد نمی‌شد، مگر آن‌که به زیارت قبر می‌رفتم، از خدا گشایش آن‌رامی‌خواستم و

برات محمد هدایتی تصور کنید شهری که امروز به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام می‌شناسیم، روزگاری روستایی کوچک بیش نبوده است. در این یادداشت، سفری خواهیم کرد به قلب برکات وجود امام‌رضا^ع در ایران، از تولد یک کلان‌شهر مذهبی و شکوفایی علمی تا برکات معنوی، وحدت‌آفرینی مذهبی و نقش سیاسی حرم مطهر رضوی؛ بخش اول این یادداشت در شماره قبل منتشر شد.

۲. برکات علمی فرهنگی

حضور امام‌رضا^ع در ایران و مناظرات علمی ایشان با دانشمندان ادیان مختلف، موجب رونق علمی و نشر معارف اهل بیت^ع در این منطقه شد. حرم مطهر نیز همواره مرکز تجمع علما، فقها و پژوهشگران علوم دینی بوده است. مشهد امروز پس از حوزه علمیه قم، بزرگ‌ترین حوزه علمیه ایران را در خود جای داده است. همچنین حرم مطهر امام‌رضا^ع، یکی از مهم‌ترین نهادهای جهان اسلام است که در طول قرن‌ها، شاهکارهای مختلف هنری و

درنگ